

پرونده شخصیت، از نگاه قانون گذار تا رویه محاکم

علی جمادی^۱، رامین رستمی^۲، جلال بهادری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱

چکیده

جرم‌شناسان در تبیین چرایی تحقق جرم و تکوین آن، در کنار عوامل زیستی و اجتماعی، از عوامل روانی نیز یاد می‌کنند که در میان عوامل روانی، شخصیت مرتکب مهم‌ترین عامل شناخته می‌شود. این مقوله امروزه مرزهای روان‌شناسی و جرم‌شناسی را درنوردیده و پا در عرصه حقوق کیفری نهاده است. شخصیت مرتکب جرم که مبنای اصل و کیفر در حقوق جزای امروزی است، باعث آن شده که مجازات هر شخص متناسب باشخصیت وی در نظر گرفته شود. قانون‌گذار ایران در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز پاره‌ای از مواد آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۴۰۰ به تشکیل پرونده شخصیت عنایت داشته و در مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و بخشنامه رئیس قوه قضاییه نیز به لزوم تشکیل آن پرداخته است؛ لیکن با رجوع به آرای صادره از محاکم خواهیم یافت که علی‌رغم الزام قانونی، متأسفانه به تشکیل چنین پرونده‌ای اقدام نمی‌شود و بعضاً در موارد تشکیل، به محتوای آن در صدور حکم توجه نمی‌گردد! لذا نگارندگان در این پژوهش برآنند تا پس از تشریح موضوع، به نقش آن در حقوق کیفری ایران و دلایل محاکم در استنکاف از این تکلیف قانونی بپردازند.

واژگان کلیدی: پرونده شخصیت، تفرید مجازات، شخصی بودن مجازات، حقوق کیفری

^۱ استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج. Ali.jamadi@iran.ir

^۲ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج (نویسنده مسئول).

ramin123rostami@gmail.com

^۳ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه کاشان. Jalalbahadori71@gmail.com

مقدمه

پدیده جنایی رفتار منتسب به انسان (واقعیت انسانی) و ضد جامعه (واقعیت اجتماعی) است. جرم پدیده نامطلوب اجتماعی است که وقوع آن، هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی برای جامعه به دنبال دارد. جرم‌شناسان در بررسی چگونگی تکوین پدیده جنایی در جامعه، عوامل فردی، روانی، محیطی و اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند و سن، جنسیت، وراثت، اختلالات و عقده‌های روانی، نابسامانی‌های خانوادگی، طلاق، بیکاری، بی‌سوادی، اعتیاد و فقر فرهنگی و اقتصادی را از بزرگ‌ترین علل جرم‌زا برشمرده‌اند (اردبیلی، ج ۱، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷).

پرونده شخصیت یکی از دستاوردهای جرم‌شناسی و ابزاری مفید در دستان دادرسی است که با آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی بزهکار، می‌تواند در امر صدور حکم نسبت به مجازات‌های تکمیلی و تتمیمی اقدام نماید، زیرا یکی از اهداف مجازات اصلاح و بازپروری و به اجتماع برگرداندن فرد بزهکار است و این امر ممکن نیست مگر با مطالعه و شناخت شخصیت بزهکار. به اعتقاد برخی، عدالت باید بزهکار را بشناسد و شاهین دادگری باید به این موضوع اهمیت فراوان بدهد (مظلومان، ۱۳۴۹، ص ۳۴۹). شناخت شخصیت مجرمانه نقش بسزایی در محاکمات قضایی دارد؛ چه اینکه قاضی کیفری - برخلاف قاضی مدنی (حقوقی) - لازم است از خصوصیات متهم اطلاع کافی داشته باشد تا بتواند در کنار پرونده جنایی، به بررسی پرونده شخصیت بپردازد و حکم متناسب صادر کند؛ بنابراین برنامه‌های عدالت باز پرورانه بزه دیده، بزهکار و دیگرانی را که به نحوی تحت تأثیر جرم واقع شده‌اند قادر می‌سازد که در مقابله با جرم دخالت مستقیم داشته باشند. در واقع فرایند دخالت تمام طرفین شرط بنیادین دستیابی به برون‌داد اصلاح و آرامش است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص ۹۲).

۱- مفاهیم پژوهش

۱-۱. شخصیت

واژه شخص و شخصیت در رشته‌های دیگر غیر از حقوق از جمله روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به کار می‌رود و در هر رشته معنای مخصوص به خود را دارد. شخصیت در لغت‌نامه فارسی به معنای رفعت، بزرگواری و وجود است (دهخدا، ۱۳۷۳). ریموند

گسن در این باره می‌نویسد: مفهوم شخصیت مفهومی بنیادی است؛ مع‌ذک تعریف آن در پرده ابهام باقی مانده است، زیرا تفسیرهای مختلفی از آن به عمل آمده است (گسن، ۱۳۸۶، ص ۱۵۴). واژه شخصیت بلندی مقام و مرتبه را می‌رساند مثل «فلان شخصیت علمی» و هر نوع صفت اخلاقی برجسته‌ای که سبب امتیاز شخص می‌شود مثل «شجاعت اخلاقی، قوت اراده» (سیاسی، ۱۳۴۲، ص ۲۵) و در نتیجه، مجموعه عوامل باطنی یک شخص و مجموع نفسانیات یک شخص از احساسات، عواطف و افکار است (کی‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳). مفهوم شخص به وجود و هستی فرد برحسب میزان آزادی وی مربوط می‌شود، حال آنکه از مفهوم شخصیت برای روشن کردن این موضوع که یک فرد در موقعیت و شرایط معینی چه خواهد کرد، استفاده می‌شود. در واقع شخصیت یک مفهوم کاربردی است که بیانگر مجموع جبری تمایلات و کنش‌های فرد است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳، ص ۹۵). از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، اصطلاح شخصیت در سه حوزه «روان‌شناسی»، «روان‌شناسی اجتماعی» و «جامعه‌شناسی» کاربرد دارد و معانی متفاوتی پیدا می‌کند: الف) در حوزه روان‌شناسی، آلپورت در سال ۱۹۳۷ برای اولین بار به شیوه بسیار تفصیلی، به تجزیه و تحلیل منظم این لغت پرداخت (استوتزل، ۱۳۵۸، ص ۱۹۵). وی شخصیت را «مظهر عادات و رفتار و خوی آدمی می‌داند که چگونگی تطبیق وی را با محیطش معین می‌کند» (قلی‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۹۶). ب) از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، بلومر در تعریف شخصیت بیان می‌کند: «شخصیت مظهر سازمان‌یابی تمایلات جهت انجام عمل است. این تمایلات در جریان کنش متقابل فرد با دیگران رشد می‌یابد». همچنین یونگ از همین دیدگاه می‌گوید: «شخصیت مظهر هیئتی کم‌وبیش به هم پیوسته از عادات، طرز تلقی‌ها، خصوصیات و همچنین افکار یک فرد است که در خارج به صورت نقش‌ها و منزلت‌های خاص و عام سازمان می‌یابند و در داخل در حول و حوش خودآگاهی، مفهوم خود و همچنین افکار، ارزش‌ها و اهداف که با انگیزه‌ها، نقش‌ها و منزلت‌ها مربوط‌اند، قوام می‌پذیرد» (ساراخانی، ۱۳۷۵، ص ۵۷۹). ج) در روان‌شناسی جنایی شخصیت به چهار عامل اساسی توانایی، خلق و خوی برون‌گرایی، روان رنجور و روان‌پریش‌گرایی بستگی دارد (برجعی، ۱۳۹۲، ص ۵۹). واژه شخصیت مصدر جعلی است و از شخص گرفته شده است. شخص در فرهنگ‌نامه‌ها به معنی انسان، کسی که در نمایشنامه و داستان نقشی دارد و با خصوصیات خود ظاهر می‌شود و همچنین به معنی بازیگر نمایش آمده است (صفار، ۱۳۷۳، ص ۷۹). نهاد ID زیربنای شخصیت و

ماهیت طبیعی انسان معرف قسمت‌های فطری و درونی اوست که به تعبیر روان‌شناسان اسلامی، بدان «نفس اماره» گفته می‌شود (شامبیاتی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۱). در علوم جنایی، چون جرم‌شناسی علمی نمی‌توانست به مسائل اجتماعی و فردی ناشی از عملکرد نظام کیفری بی‌توجه باشد، به این سمت گرایش یافت که طرز کار نظام کیفری و فردی کردن مطلوب واکنش اجتماعی علیه جرم را به اجرا گذارد و بدین منظور به جرم‌شناسی بالینی متوسل شد (نوربها، ۱۳۸۴، ص ۷۵). جرم‌شناسی بالینی به مفهوم مضیق آن عبارت است از مطالعه چند شاخه‌ای حالت فردی شخص مجرم تا با این مطالعه بتوان از جرایم آینده پیشگیری کرد (مهران، ۱۳۸۹، ص ۱۰).

۱-۲. پرونده شخصیت

پرونده شخصیت پرونده‌ای جدا از پرونده اتهامی است و مربوط به رفتار مجرمانه و در واقع حاوی اطلاعاتی از شخصیت مرتکب رفتار است (خالقی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۶). با وجود شناخت شخصیت و آگاهی از جنبه‌ها و حالات آن، برخلاف انتظار نمی‌توان با به کار بردن یک طبقه‌بندی خاص شخصیت مجرم را شناخت. از این رو به‌طور کلی باید گفت که مسائل مربوط به حالات روانی و عاطفی انسان در چارچوب یک طبقه‌بندی خاص قرار نمی‌گیرد. به این ترتیب این امکان وجود ندارد از شخصیت افراد شناخت کاملی کسب نمود مگر آنکه شخصیت هر فرد را به‌طور دقیق با استفاده از متخصصان مختلف مورد بررسی قرار دهیم. با این حال، دانش شناخت شخصیت به قدر لزوم مشخص می‌کند که در تشکیل پرونده شخصیتی و مجرم باید به صفات ظاهری و جسمانی و حالات روانی بزهکار توجه شود و تمایز و نقایص که در جسم و جان هر فرد وجود دارد روشن گردد که این خود نمودار سودمندی شناخت از روان‌شناسی شخصیت است که در دادرسی کیفری، قاضی را به خصایص و حالات مجرم توجه می‌دهد.

۱-۳. تفرید مجازات

تفرید مجازات عبارت است از فردی کردن کیفر. در اصل، فردی کردن مجازات‌ها از اصل تناسب میان مجازات (نوع، میزان و نحوه اعمال) با شخصیت مجرم (حقیقی یا حقوقی) سخن به میان می‌آید (منصورآبادی و کونانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴-۱۳). در باب تبیین اصل فردی کردن مجازات‌ها باید گفت که نویسندگان حقوق کیفری در کشور ما فرقی میان اصل فردی بودن مسئولیت کیفری و اصل شخصی بودن مجازات‌ها ننهادند،

حال آنکه هریک از این اصول، قلمرو حکومت جدا از یکدیگر دارند (اردبیلی، ۱۳۸۷، ص ۶۳). برخی از نویسندگان، فردی کردن مجازات را منطبق نمودن مجازات با شخصیت مجرم تلقی نموده‌اند و در این مورد بیان می‌دارند که برای فردی کردن مجازات‌ها اختیارات وسیعی به دادرس و گاهی به مقامات اجرایی داده شده است. دو فرد یک نوع جرم را مرتکب می‌شوند؛ ممکن است یکی به حداقل و دیگری به حداکثر مجازات محکوم گردد و در حین اجرای مجازات ممکن است یکی با استفاده از آزادی مشروط از زندان مرخص شود و دیگری تا پایان محکومیت در زندان به سر ببرد (دانش، ۱۳۶۸، ص ۵۸-۵۷).

۲- تاریخچه تشکیل پرونده شخصیت

۲-۱. پرونده شخصیت در اسناد بین‌المللی

فکر بررسی شخصیت مجرم و زوایای درونی وی به صورت علمی با ظهور مکتب تحقیقی و انتشار کتاب «انسان بزهکار» در سال ۱۸۷۶ میلادی توسط سزار لومبرزو شروع شد و خاستگاه توجه به شخصیت متهمان و مجرمان در قرن نوزدهم با شروع جهش‌های علمی و توجه به شناخت بزهکار در سیستم اثباتی (مکتب تحقیقی) مورد توجه قرار گرفت. در واقع حقوق کیفری در این تاریخ با وجود سنگینی افکار کلاسیک‌ها، نتوانست از تأثیر علوم جدید به‌ویژه عقایدی که به وراثت اهمیت می‌دادند برکنار بماند (نوربها، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵). از این زمان به بعد بود که مجرم نقش محوری خود را در جریان عدالت کیفری پیدا کرد. با این حال، فکر واکاوی در شخصیت مجرم برای اصلاح و درمان او به وسیله مکتب دفاع اجتماعی و به زعامت مارک آنسل آغاز شد. لذا پرونده شخصیت را پیشنهاد داد که به معنای شناخت شخصیت واقعی مجرم توسط قاضی کیفری و اتخاذ بهترین و مناسب‌ترین تدبیر قضایی بود، به طوری که باعث اصلاح و بازپروری مجرم و تبدیل او به یک عنصر مفید و شرافتمند و عاری از هرگونه صفات بزهکاری شود. ولی ضرورت تشکیل پرونده شخصیت برای اولین بار در ششمین کنگره بین‌المللی جنایی در سال ۱۹۶۲ میلادی در تورین ایتالیا و در دادرسی اطفال و نوجوانان مورد توجه قرار گرفت (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۲) و سپس در نظام دادرسی کیفری کشورهای مختلف مطرح شد. قانون ۱۹۴۷ ایالت میشیگان، قوانین سال‌های ۱۹۴۹ ایالت کلرادو و نیویورک آمریکا و قانون جزای سال

۱۹۵۱ بلغارستان و قانون جزای یوگسلاوی از آن جمله است (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۲؛ طریقی، ۱۳۶۰، ص ۱۲۷). تشکیل پرونده شخصیت و موضوع شناسی شخصیت بزهکاران در سال ۱۹۵۲ در کنگره‌ای که از طرف سازمان ملل متحد در شهر بروکسل تشکیل شد، مورد بحث و مطالعه قرار گرفت. پس از آن در سال ۱۹۵۳ در اولین کنگره جرم‌شناسی در شهر پاریس، درباره امتحان روانی و وضع اجتماعی مجرمان گفت‌وگو شد و دنباله این بحث در سال ۱۹۵۴ در کنگره بین‌المللی دفاع اجتماعی مطرح شد (ابهری، ۱۳۴۰، ص ۶۸-۶۷). در نهایت، طبق مواد ۱ الی ۱۶ مجموعه حداقل قواعد سازمان ملل متحد برای اطفال و نوجوانان (مقررات پکن) مصوب ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵، تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان مطرح شد، زیرا قاضی ملزم می‌شد به‌موجب گزارش کارشناسان در پرونده شخصیت، با آگاهی نسبتاً جامعی درباره شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب بزه در کودک و نوجوان از نظر وضعیت شخصی، خانوادگی و موقعیت اجتماعی، واکنش یا مجازاتی را برگزیند که به تغییر در ذهنیت، رفتار و شرایط نامساعد و آماده شدن فرد برای زندگی اجتماعی منجر شود، به‌طوری‌که حقوق و ارزش‌های اجتماعی او نیز محترم شمرده شود (آشوری، ۱۳۹۲، ص ۲۰۵).

۲-۲. پرونده شخصیت در نظام حقوقی ایران

در نظام کیفری ایران نیز برای اولین بار موضوع تشکیل پرونده شخصیت به سال ۱۳۳۸ به زمان قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار برمی‌گردد. البته به‌موجب آیین‌نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت مصوب ۹ مهرماه ۱۳۴۷، برای هر طرف نسبت به تنظیم پرونده شخصیت اقدام می‌شد. پس از انقلاب نیز در آیین‌نامه‌های مختلف سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی، به ایجاد قسمتی در زندان‌ها به‌منظور شناخته شدن شخصیت زندانیان و طبقه‌بندی آنان اشاره شده است. در زمینه شناخت شخصیت کودکان و نوجوانان بزهکار تا سال ۱۳۷۸ نمونه‌ای از این مطلب دیده نمی‌شود. در سال ۱۳۷۸ در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در ماده ۲۲۲ بدون اشاره صریح به پرونده شخصیت، انجام چنین تحقیقاتی را به اختیار دادگاه نهاده‌اند (جویباری و اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۹). لزوم تشکیل چنین پرونده‌ای در قوانین کیفری ما به‌طور صریح و مشخص امری اجتناب‌ناپذیر بود تا از این طریق بتوان هم در اصلاح و بازسازی مجرمان و مداوای آنان و هم در دفاع از اجتماع و برقراری هرچه

بهتر این نظم عمومی گام‌های مؤثر و بهتری برداشت، زیرا بسیاری از مجرمان هستند که خصوصیات شخصیتی آنان به گونه‌ای است که می‌توان آن‌ها را با تدابیر مناسب اصلاح کرد و به‌عنوان فرد مفید و اجتماعی به جامعه تحویل داد، چراکه اگر این مجرمان بدون تحقیق از خصوصیات روانی‌شان به‌طور مستقیم روانه زندان شوند، چه‌بسا ممکن است به‌عنوان فردی که خطری جدی و محرک برای جامعه دارند، به اجتماع بازگردند. لذا با توجه به تحولات و تصویب و تغییر قوانین جزایی و کیفری در سال ۱۳۹۲، تشکیل پرونده شخصیت و توجه به شخصیت بزهکار به‌صورت صریح موردتوجه و عنایت قانون‌گذار قرار گرفت (امیرزاده فرد و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۸).

۳- جایگاه پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران

۳-۱. پرونده شخصیت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

با افزایش نرخ جرم در جامعه، عملکرد نظام تخصیص منابع تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به‌طوری‌که منابع جامعه از توسعه زیرساخت‌های اقتصادی به سمت تأمین نظم و امنیت در جامعه هدایت می‌شود (بهداری، ۱۳۹۳، ص ۳). مهم‌ترین مینا برای متناسب ساختن مجازات در مقام قضا اصل فردی کردن مجازات است. قانون‌گذار در تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ با توجه به‌قاعده «بما یراه الحاکم» بودن مجازات در قلمرو تعزیرات، با پیش‌بینی مواد مختلفی، قاضی کیفری را ملزم به تشکیل پرونده شخصیت برای متهم می‌کند. مقنن از قاضی می‌خواهد که علاوه بر نگاه حقوقی، با یک نگاه جرم‌شناسان و اندکی تحقیقات حقوقی و جمع‌آوری اطلاعات شخصی - محیطی از متهم، نسبت به فردی کردن حکم کیفری در معنای جرم‌شناختی - کیفرشناختی آن اقدام نماید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۱۸) که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

۳-۱-۱. تخفیف مجازات

کیفیات مخففه اعم از قانونی و قضایی یکی از راهکارهای مؤثر در جهت استقرار اصل فردی کردن مجازات‌ها و تشویق مجرمان به انصراف از ادامه ارتکاب و تلاش برای جلوگیری از اشاعه آثار زیان‌بار جرم می‌باشد (آشوری و فتحی، ۱۳۸۸، ص ۱). کیفیات

مخففه را به دودسته کیفیات مخففه قانونی و کیفیات مخففه قضایی تقسیم می‌کنند که در هر دو قسم توجه به ۸ شخصیت متهم اصل اولیه اعطای تخفیف است. ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جهات مخففه را به این شرح بیان می‌کند:

الف) گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب) همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به‌کاررفته برای ارتکاب آن

پ) اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

ت) اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

ث) ندامت، حسن سابقه و یا رفع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

ج) کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از

آن

چ) خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیان‌بار جرم

ح) مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

در بند «پ» و «ث» این ماده به اوضاع و احوال و شرایط متهم و همچنین سابقه آن اشاره شده است. این موارد حاکی از لزوم شناسایی شخصیت مجرم و توجه به رفتار و کردار و سوابق خانوادگی و اجتماعی او می‌باشد. بی‌شک اعمال دقیق و علمی این دو بند در این ماده مستلزم تشکیل پرونده شخصیت است.

۳-۱-۲. تشدید مجازات

علل و موجبات تشدید را به دو گونه تقسیم‌بندی می‌کنند. در یک طبقه‌بندی، کیفیات مشدد عام در مقابل کیفیات مشدد خاص و در طبقه‌بندی دیگر جهات مشدد عینی در مقابل جهات مشدد شخصی قرار می‌گیرد (اردبیلی، ج ۲، ۱۳۸۴، ص ۲۱۷). در علل عینی به اوضاع و احوال خارجی و نوع جرم توجه می‌شود، ولی در علل شخصی خصوصیات و کیفیات فردی و درنهایت شخصیت مرتکب است که باعث تشدید مجازات می‌گردد. علل عام تشدید مانند تعدد و تکرار است.

۳-۱-۳. تعویق صدور حکم

یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نهاد تعویق صدور حکم

است. بر اساس ماده ۴۰ این قانون، در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت، دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم، با احراز وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است، در صورت وجود شرایط لازم، صدور حکم را به تعویق اندازد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مبنای تصمیم قاضی باید علم به وضعیت متهم در تمام ابعاد فردی و اجتماعی باشد. سوآلی که به ذهن می‌رسد این است که قاضی کیفری چگونه از وضع اجتماعی و فردی متهم مطلع خواهد شد؟ به نظر می‌رسد قانون‌گذار با ماده فوق، تلویحاً به ضرورت تشکیل پرونده شخصیت اشاره داشته است. در ادامه همین بحث، قانون‌گذار تعویق را به شکل ساده یا مراقبتی تقسیم می‌کند که در تعویق مراقبتی، بر اساس ماده ۴۳ دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او، به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی ایجاد نکند، مرتکب را به اجرای دستور یا دستورهایی که در راستای اصلاح وی می‌باشد، ملزم کند. باز به نظر می‌رسد ابزار لازم برای رسیدن به آگاهی از شرایط زندگی متهم پرونده شخصیت است (اسلامی، ۱۳۹۶، ص ۸-۷).

۳-۱-۴. معافیت از کیفر

معافیت در مفهوم لغوی عبارت است از بین رفتن کل یا جزء چیزی که بر ذمه می‌باشد. در مفهوم حقوق کیفری تعریفی جامع از آن ارائه نشده و صرفاً قانون‌گذار در ماده ۳۹ قانون مجازات به ذکر انواع و شرایط آن بسنده کرده است. معافیت عبارت است از نهادی که در صورت احراز جهات تخفیف، دادگاه پس از احراز مجرمیت تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می‌شود، در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن، می‌تواند در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ اعمال نماید (ساوانی، ۱۳۹۶، ص ۳۳۹). در این تأسیس نوین، با وجود احراز مجرمیت فرد بزه‌کار، دادگاه باید کیفیات مخففه را احراز کند (کاکوجویباری، ۱۳۹۶، ص ۱۰۳-۱۰۲). لذا همان‌طور که هوبداست، اعمال این تأسیس کیفری منوط به شناخت نسبت به مرتکب است که وسیله دستیابی بدان، بررسی شخصیت وی از طریق مطالعه پرونده شخصیت اوست. در بسیاری از اوقات بر شاهین دادگری باید بالید و در مواردی نیز از او نالید. اگر ما حالات مجرمان را که هیچ‌یک به هم شباهتی ندارند مورد مطالعه قرار دهیم، خواهیم دید که آن‌ها خود قربانیانی بیش نیستند (مظلومان، ۱۳۴۹، ص ۳۴۹).

۳-۱-۵. تعلیق اجرای مجازات

تعلیق اجرا مظهر اختیاری است که قانون به منظور فردی کردن مجازات به دادگاه واگذار کرده و ارتباط مستقیمی با درجه وخامت جرم و میزان مجازات مقرر در قانون و همچنین شخصیت خاص مرتکب جرم دارد (ولیدی، ۱۳۷۹، ص ۹). این نهاد با نهاد تعویق صدور حکم از نظر ماهوی متفاوت است، اما در شرایط اعطای آن به بزهکاران، بین آن دو شباهتهایی وجود دارد. طبق ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی، قاضی می‌تواند با اشراف بر ویژگی‌های شخصیتی بزهکار، وضعیت بازپروری وی را بسنجد و به اعطای تعلیق مجازات اقدام کند. تعلیق مجازات ارتباط نزدیکی با تنظیم پرونده شخصیت دارد و بدون تردید تصمیم‌گیری در خصوص صدور اعطای تعلیق یا عدم صدور آن در حق بزهکار، نیازمند تشکیل پرونده شخصیت است (شاملو و گوزلی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰).

۳-۱-۶. آزادی مشروط

آزادی مشروط یکی از نهادهایی است که برای کاهش آثار زیان‌بار زندان ایجاد شده است. قانون‌گذار در مواد ۵۸ تا ۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تشریح آزادی مشروط پرداخته است. در شروط آزادی مشروط آمده است: الف - محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد. ب - حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود. قاضی برای تشخیص این امور می‌تواند به پرونده شخصیت که طبق آیین‌نامه سازمان زندان‌ها زیر نظر متخصصین تشکیل شده است، مراجعه کند. بعضاً مشاهده می‌شود که برای تشخیص این امر، از نگرهبانانی که تخصص در این زمینه ندارند نظرخواهی می‌شود؛ آن‌ها هم با توجه به ادب و احترامی که زندانی برای آن‌ها قائل است یا برخی معیارهای شخصی اظهارنظر می‌کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱). بی‌شک شناخت صحیح خصوصیات روانی و شخصیت محکوم نیازمند تشکیل پرونده شخصیت است.

۳-۱-۷. جایگزین‌های حبس

با مروری بر مقررات مجازات‌های جایگزین حبس، قابل استنباط است که پرونده شخصیت نقش بسیار کلیدی در این نهاد ایفا می‌کند. در حقوق کیفری ایران به دلیل اینکه قریب به اتفاق آرای قضات به مجازات حبس منتهی می‌گردد، صرف‌نظر از آثار و

پیامدهای منفی حبس، لزوم تشکیل پرونده شخصیت مجرمان امری ضروری به‌منزله نخستین پله در مقررات حبس زدایی می‌باشد (شاهرخی، ۱۳۸۴، ص ۵۲). از طرفی، روشن است که تشکیل پرونده شخصیت باعث عملیاتی کردن مجازات‌های جایگزین حبس می‌شود و مقام قضایی را به سمت بهترین و عادلانه‌ترین پاسخ کیفری سوق می‌دهد. سیاست جنایی هنگامی در زمینه کنترل بزهکاری و پیشگیری از آن به موفقیت دست می‌یابد که به شکل هدفمند طراحی شود و برای دستیابی به هدف‌هایی مشخص، دارای برنامه و ابزارهای کافی باشد؛ بنابراین هرگاه سیاست‌گذاران جنایی با رویکردهای مختلف و از رهگذر سیاست‌ها و برنامه‌های ناهم‌سو در صدد اتخاذ تدابیر متعدد و گاه متضاد در زمینه بزهکاری باشند، به نظر می‌رسد با شکست مواجه شوند (نیازپور، ۱۳۸۷، ص ۷۰).

۳-۱-۸. حبس

زندانی کردن فرد در ظاهر و نگاه اول نوعی کیفر است، لذا حبس کیفر یا مجازات است. در کیفر سالب آزادی، ماهیت کیفری زندان به‌عنوان محل کیفر و نحوه نگهداری زندانیان و طریق پذیرش آنان محل بحث می‌باشد (صفاری، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵). برابر مواد ۶۳-۶۹ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، تقسیم و طبقه‌بندی زندانیان توسط شورای طبقه‌بندی زندان صورت می‌گیرد. بر اساس آیین‌نامه مذکور، تقسیم و طبقه‌بندی زندانیان بر اساس سابقه، سن، جنسیت و نوع جرم ارتكابی، تابعیت، مدت مجازات، وضع جسمانی و روانی و چگونگی شخصیت و استعداد انجام می‌شود. قسمت تشخیص و طبقه‌بندی زندانیان از کارشناسان متخصص تشکیل می‌شود که به‌صورت ماهیانه با مسئولیت رئیس زندان تشکیل شده و نظریات خود را برای درج در پرونده شخصیت زندانیان ارائه می‌دهند (رجبی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵).

۳-۲. پرونده شخصیت در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴

۳-۲-۱. مرحله تعقیب

در نظام حقوقی ایران بررسی و تحقیق پیرامون ابعاد شخصیت متهم یا محکوم‌علیه

توسط شخص قاضی و عنداللزوم ضابطان دادگستری، آن‌هم ضمن پرونده کیفری صورت می‌گیرد؛ اما در مراحل کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب جرم و دادرسی به معنای خاص که همان صدور حکم است، پرونده‌ای تحت عنوان پرونده شخصیت به صورت مستقل و جدا از پرونده کیفری وجود ندارد و قانون‌گذار با بی‌تفاوتی کامل از آن گذشته، لیکن مواد مختلفی در مقررات کیفری ما وجود دارد که هر یک از آن‌ها به نوعی به این شناخت ربط پیدا می‌کنند. با عنایت به اینکه مرحله تحقیق و بازجویی از وظایف قضات دادرسی و هدف از این مرحله جمع‌آوری دلایل و اسناد و مدارک برای احراز بزهکاری متهم و در صورت لزوم صدور قرار مجرمیت یا کیفرخواست از سوی دادسرا می‌باشد، باید بر این بود که تحقیق و بازجویی از افراد باشخصیت‌های غیرعادی باید به طور فنی و علمی و با استمداد از مددکاران اجتماعی و روانکاوان و دیگر متخصصان انجام بگیرد، زیرا بسیار بدیهی است که بازجویی از یک فرد روان پریش یا مجنون یا شخصی که انحراف میل به دزدی دارد، با اشخاصی باشخصیت‌های طبیعی و عادی باید تفاوت داشته باشد (محمدیان، ۱۳۹۲، ص ۳۳۴). همچنین در این مرحله تعلیق تعقیب وجود دارد که این اصل به دادسرا امکان می‌دهد که با بررسی هر پرونده تشخیص دهد که آیا موقعیت و مناسبتی برای تعقیب کیفری متهم وجود دارد یا خیر (خالقی، ۱۳۸۹، ص ۳۸). همچنین این امکان وجود دارد که به منظور فردی کردن تعقیب، آن را با برخی اقدامات جبرانی یا تنبیهی جایگزین کرد (یزدیان جعفری، ۱۳۸۵، ص ۵۴). روشن است که در این مرحله تشکیل پرونده شخصیت از سوی مقام تعقیب بسیار حائز اهمیت است، زیرا مقام تعقیب می‌تواند با اظهارنظر در گزارش‌های موجود در پرونده شخصیت، تصمیم مقتضی را با اهداف اصلاحی و درمانی اتخاذ کند (شیاسی، ۱۳۹۶، ص ۵).

۳-۲-۲. مرحله تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی اقدامات و تحقیقاتی است که از سوی ضابطان دادگستری رأساً یا به دستور و حسب ارجاع مقامات قضایی و یا از سوی بازپرسان، دادستان‌ها یا دادیاران تحقیق و نیز سایر مقامات صالح قضایی به منظور کشف، تسجیل و تمهید دلایل، اعم از دلایل اثبات جرم و دلایل مفید به حال متهم، با توجه به اصل برائت صورت می‌پذیرد و هدف اصلی آن آماده‌سازی پرونده و تسهیل و تسریع رسیدگی در دادگاه است (آشوری، ج ۲، ۱۳۸۹، ص ۱۶). در نظام دادرسی کشورمان موضوع «تشکیل پرونده شخصیت متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی» برای اولین بار در ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه

اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ به‌عنوان یک امر اختیاری و به صلاحدید قاضی پیش‌بینی شده بود. مشابه این ماده بعدها در سال ۱۳۷۸ در ماده ۲۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شد، اما به‌صورت تلویحی نه تصریحی؛ درحالی‌که تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی قبل از محکومیت به‌عنوان مقدمه ضروری تعیین درجه مسئولیت کیفری متهم و اتخاذ واکنش مناسب مبتنی بر اصلاح و تربیت، امری اجتناب‌ناپذیر است (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۹، ص ۱۷). وجود پرونده شخصیت باعث می‌شود که بازپرس در خصوص متهم اطلاعاتی از قبل داشته باشد و سؤالات خود را بر اساس آن مطرح کند تا در کمترین زمان به پاسخ برسد و حقیقت را کشف کند (نجفی توانا، ۱۳۸۸، ص ۲۹۶)؛ اما متأسفانه مقنن شیوه و راهکارهای اجرایی تشکیل این پرونده را بیان نکرده است، درحالی‌که تشکیل چنین پرونده‌ای نیازمند استفاده از کارشناسان ذی‌ربط و مددکاران متعهد می‌باشد که در این صورت، فرایند کیفری سیستم قضایی را به تأمین دادرسی منصفانه و ملموس نمودن بهتر عدالت رهنمون می‌سازد (شاملو و گوزلی، ۱۳۹۰، ص ۹۵).

۳-۲-۳. مرحله دادرسی و صدور رأی

در این مرحله تقصیر متهم در دادسرا یا دادگاه احراز شده و با قرار مجرمیت و کیفرخواست صادره در دادسرا به دادگاه آمده یا اینکه پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح شده است (مواد ۲۸۵، ۳۰۶ و ۳۴۰).^۱ حال دادگاه باید به اتهام و کیفیت ارتکاب جرم و دلایل استنادی توجه کند و با توجه به شخصیت بزهکار، به پرونده رسیدگی کند و به تعیین نوع و میزان مجازات و یا اقدامات تأمینی بپردازد^۲ (رحمدل، ۱۳۸۹، ص ۷).

۱. تبصره ۱ ماده ۲۸۵: تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر پانزده سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است انجام می‌دهد.

ماده ۳۰۶ (اصلاحی ۱۳۹۴): به جرایم منافی عفت به‌طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود.

ماده ۳۴۰: جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود.

۲. می‌توان گفت که سیاست‌های رسیدگی، صدور رأی و تعیین مجازات از نظامی به نظامی دیگر و حتی در یک نظام نیز از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند. بسیاری از تغییراتی که در سیاست‌های مربوط به تعیین مجازات در سطح ملی صورت گرفته، به دلیل تغییراتی است که در سطح جهانی رخ داده است. در آغاز قرن بیستم شاهد شکوفایی اصول مربوط به باز اجتماعی ساختن در رسیدگی و صدور رأی و تعیین مجازات بودیم. برای کسب اطلاع بیشتر در این خصوص رک: رحمدل، منصور؛ تناسب جرم و مجازات، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.

اصل فردی کردن مجازات یا همان تفرید کیفری یکی از اصول مهم حاکم بر مجازات است که با رعایت آن، مجازات‌ها عادلانه‌تر و انسانی‌تر تعیین می‌شود؛ بدین معنا که قاضی محکمه هنگام دادرسی و صدور حکم، با در نظر گرفتن ابعاد شخصیتی مجرم، ضمانت اجرای کیفری را چه به لحاظ نوع و چه از نظر میزان، به گونه‌ای تعیین کند که منتهی به اصلاح او شود (صانعی، ۱۳۷۱، ص ۲ و ۲۴).

۳-۲-۴. مرحله اجرای مجازات

در مرحله اجرای مجازات ماحصل تلاش مقام تعقیب، تحقیق و دادرسی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در واقع این مرحله که نمایانگر اقتدار نظام عدالت کیفری در به مجازات رسانیدن مجرمان است، باید تابع دادرسی عادلانه باشد. یکی از حقوق بزهکار توجه به اوضاع و احوال جسمی، روحی، خانوادگی و اجتماعی اوست، لذا باید توجه داشت که همه کیفرهای شرعی حتی کیفر حبس به‌عنوان تعزیر، به انگیزه اصلاح فرد و تأمین مصالح اجتماعی جامعه تشریح شده باشد و باید با همین انگیزه اجرا و اعمال شود؛ بنابراین در مرحله اجرای کیفر، فردی کردن مجازات بیشتر در استفاده از طبقه‌بندی محکومان، آزادی مشروط و عفو و بخشودگی نمود پیدا می‌کند (قربانی زپردهی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۹).

۳-۳. پرونده شخصیت در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی

و تربیتی مصوب ۱۴۰۰/۲/۲۸ گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از مهم‌ترین ویژگی آخرین آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی که در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ در کشورمان تصویب شد، تشکیل پرونده شخصیت و پرونده وضعیت و رفتاری برای زندانیان است. بدین منظور، واحدها یا مراکز بالینی و تصمیم‌گیری پیش‌بینی شدند که برنامه بازپروری زندانی را تنظیم کنند و اجرای آن را جهت و شکل دهند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۴). واحد پذیرش و تشخیص نخستین مرکزی است که قاعداً متهم یا محکوم باید در بدو ورود به زندان با آن روبه‌رو شود. این واحد از دو قسمت تشکیل شده است: «قسمت پذیرش» که تشریفات اداری ورود زندانیان را انجام می‌دهد و مشخصات شخصی و کیفری آن را درج می‌کند (مواد ۴۷ و ۴۸) و «قسمت تشخیص» که به بررسی جنبه‌های مختلف شخصیت محکوم با

استفاده از خدمات کارشناسان علوم مختلف روان‌شناسی، علوم تربیتی، مددکاری اجتماعی، پزشکی و... می‌پردازد. در آیین‌نامه فوق، پرونده وضعیت پرونده‌ای است متشکل از مجموعه اطلاعات مربوط به متهم بازداشتی، زندانی و یا مددجو که مشتمل بر بخش‌های اجرای احکام، شخصیت، سلامت و مددکاری اجتماعی است. لازم است ذکر شود که دلایلی همچون زیاد بودن جمعیت زندانیان، نبودن کادر اجرایی لازم، مناسب نبودن محیط زندان‌ها و نبود نیروی انسانی متخصص اجرای بهینه این طرح را با مشکل مواجه کرده است. به نظر می‌رسد با استخدام نیروهای کارآمد در زندان‌ها و تخصیص اعتبارات مالی مکفی بتوان آرزوی تشکیل پرونده شخصیت را به شکل اصولی و مطابق با آموزه‌های جرم‌شناسی محقق ساخت (شاملو و گوزلی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶).

۳-۴. پرونده شخصیت در بخشنامه مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۶ رئیس قوه قضاییه

یکی از رویکردهای اصلاحی در نظام کیفری جدید توجه اصول روان‌شناسی جنایی و تربیتی مجرمان و محاکمه متناسب و در نتیجه اصلاح شخص می‌باشد. با این دیدگاه، الزام به تشکیل پرونده و حضور مددکاران اجتماعی در کنار قضات اقدام مفیدی بود که طی آن، دفعات جرم، علل ارتکاب آن و مجازات‌های تعیین‌شده بررسی گردد. در این راستا پس از پیش‌بینی‌های لازم و توجه به لزوم تشکیل پرونده شخصیت در قوانین کیفری و آیین‌نامه‌های مرتبط با آن، بخشنامه‌ای تخصصی نیز برای شناخت ابعاد شخصیت و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی متهمان به‌ویژه اطفال و نوجوانان و کاربرد اطلاعات شخصیتی آنان در فرایند رسیدگی از سوی قوه قضاییه ابلاغ‌شده است. از مهم‌ترین نوآوری‌های بخشنامه اخیرالتصویب اهمیت وجود مددکاران اجتماعی در کنار قضات و توجه به گزارش تهیه‌شده توسط آنان و پزشکی قانونی و ایجاد بستری الکترونیکی برای ثبت اطلاعات مربوط به سوابق خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متهمان و طرح پرسش‌نامه‌هایی برای دسترسی آسان و سریع به اطلاعات متهمان و مجرمان می‌باشد به‌نحوی که در زمان تشکیل پرونده شخصیت، تفکیکی میان مجرمانی با مجازات‌های سنگین‌تر و سبک‌تر ایجادشده است. از سوی دیگر، وظایف و تکالیفی در خصوص واحد مددکاری اجتماعی بر عهده کارشناسان این بخش واگذارشده که مطابق ماده ۹ بخشنامه مزبور، نحوه تشکیل و تکمیل پرونده مشخص‌شده است. همچنین مطابق ماده ۱۴ و ۱۵ قضات مطابق با بخشنامه مزبور در مراحل مختلف

دادرسی با استناد به پرونده شخصیت اقدام به اتخاذ تصمیمات قضایی می‌نمایند که چنین رویکردی از جمله دستاوردهای جرم‌شناسی نوین در حقوق کیفری در راستای کمک به باز اجتماعی شدن مجرم است که در قوانین کیفری و بخشنامه‌ها نمود پیدا کرده است. در واقع علت این اقدامات هم این‌گونه توجیه می‌شود که قضات در پرونده‌های کیفری در مورد سرنوشت مجرمان تصمیم می‌گیرند و این تصمیم در آینده افراد و جامعه تأثیرگذار است. از همین رو شایسته است با توجه به شرایط روحی، روانی و حتی جسمی افراد تصمیم گرفت. یکی دیگر از دستاوردهای مهم در بخشنامه مزبور امکان اعتراض متهم یا وکیل وی به محتوای پرونده شخصیت است که این امکان را فراهم آورده که واحد مددکاری در صورت ارجاع مقام قضایی، نسبت به موارد اعتراض و بازبینی محتویات پرونده شخصیت اقدام کند.

۳-۵. علل بی‌توجهی محاکم نسبت به تشکیل پرونده شخصیت

شناسایی نواقص و محدودیت‌ها و علل ناکامی این مهم در سیستم عدالت کیفری می‌طلبد تا در سایه شناخت مفهوم تشکیل پرونده شخصیت، محدودیت‌ها و ناکارآمدی محاکم و علل آن نیز روشن گردد تا با بهره‌گیری از علوم روز و فناوری، گامی استوار در جهت حاکمیت قانون، رعایت عدالت و حقوق بشر همراه با حفظ حقوق شهروندی برداشته شود. علی‌رغم ابلاغ قوانین روشن در این زمینه و همچنین اجرای بخشنامه‌های تخصصی، فقدان تعیین ضمانت اجرا از سوی قانون‌گذار و ابلاغ نشدن الزامات قانونی آن در نحوه تشکیل پرونده شخصیت، ارائه نشدن راهکارهای اجرایی در قوانین تصویب‌شده، فراوانی جمعیت کیفری، فقدان تعیین ضمانت اجرای استنکافات مقامات قضایی، ایجاد نشدن بستر فرهنگی و مدنی، تطویل دادرسی، ضعف در آموزش و بدنه قوه قضاییه، نداشتن تخصص و مهارت لازم در کارکنان نظام عدالت کیفری، کمبود ابزارهای لازم و بهره نبردن از فناوری پیشرفته در میزان ناکارآمدی این مهم اثر فراوانی داشته است، چنانکه ارزش یک قضاوت صحیح و عادلانه آن است که قاضی حقایق را بشناسد.

نتیجه

افراد در مقابل اعمال مجرمانه خود در جامعه مسئول هستند و به میزان این عمل و متناسب با حالات و شخصیت خود، مجازات می‌شوند. گاهی ملاحظات از جمله مصالح جامعه، باعث تخفیف یا معافیت مجازات شخص مجرم می‌شود. این معاذیر بنا بر ملاحظات سیاست جنایی و اجتماعی توسط مقنن پیش‌بینی شده‌اند که در واقع آن‌ها را باید هزینه‌های اجتماعی تلقی نمود که برای حصول به منفعت اولی صرف می‌گردد. در راستای اصل فردی کردن مجازات‌های قابل‌اعمال بر مجرمان، در بیشتر نظام‌های حقوقی، دامنه‌ای از اختیارات را برای قضات پیش‌بینی کرده‌اند و این دامنه برحسب نوع نظام کیفری متفاوت می‌باشد. علاوه بر این اصل، برای اثربخشی بهتر و بیشتر مجازات‌ها، قضات با توجه به اصولی مانند اصل قضایی کردن مجازات‌ها، از اختیاراتی در جهت تعیین مجازات متناسب برخوردارند. این در حالی است که بدون شک همه علمای حقوق و مکاتب کیفری متفق‌القول هستند که در رسیدگی به جرایم باید شخصیت مجرم مورد توجه و عنایت قرار گیرد تا حکم صادره در حق مجرم با بصیرت و آگاهی و نیز عادلانه باشد. در حقوق اسلام نیز توجه به شخصیت مجرمان و حفظ کرامت و حقوق آنان مورد توجه و اهتمام بوده است، به طوری که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «حرمت مؤمن از حرمت کعبه بالاتر است».

از سوی دیگر، رویارویی با بحران بزهکاری مستلزم رویکردی چندجانبه و در برگیرنده الگوی سازمان‌یافته‌ای از پیشگیری است که همراه با زیرساخت‌های جرم‌شناسان عدالت کیفری در کنترل بحران از طریق گستره واکنش‌های مناسب، مؤثر، کارآمد و سازگار باشخصیت بزهکار باشد. روشن است که برای اینکه کیفر بتواند اثر مطلوب روی بزهکار داشته باشد، شناخت عوامل بزه‌زا ضروری است. به بیان بهتر، برای اتخاذ کیفر معقول و منصفانه و همچنین به جهت اعمال تدابیر اصلاحی و درمانی متناسب با وضعیت بزهکار، مطالعه شخصیت مجرمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این شخصیت به تناسب تفاوت روان، جسم و محیط پیرامون هر فرد متفاوت است. در این راستا و با توجه به اهمیت تشکیل پرونده شخصیت در تضمین دادرسی عادلانه و منصفانه، در کشورهای دارای نظام حقوقی پیشرفته، به‌ضرورت این اقدام در مراحل مختلف دادرسی کیفری توجه شده است.

در نظام دادرسی کیفری ایران، پرونده شخصیت و ضرورت تشکیل آن، به‌ویژه در

مرحله تحقیقات مقدماتی و پیش از محکومیت، آن‌گونه که باید، مورد توجه قرار نگرفته بود و علی‌رغم آنکه در عمل قضاوت به بررسی درباره شخصیت متهم در مراحل تحقیقات مقدماتی و دادرسی می‌پرداختند، تنها در مرحله نهایی یعنی اجرای حکم بود که تشکیل پرونده شخصیت الزامی بود. این در حالی بود که تشکیل چنین پرونده‌ای در تمامی مراحل دادرسی کیفری و حداقل در جرایم مهم از درجه جنایی، ضروری به شمار می‌آمد و تنها از این طریق بود که امر تشخیص شخصیت و کشف عوامل جرم‌زا و نحوه برخورد با آن‌ها محقق می‌گردید؛ بنابراین ضرورت، قانون‌گذار ایران در موادی چون ۱۸، ۳۸، ۴۰، ۴۶، ۵۸، ۶۴ و... از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۴۰۰، به شخصیت و پرونده آن اشاره نمود؛ لیکن این مواد (خاصه آیین‌نامه مذکور) بنا به دلایلی همچون زیاد بودن جمعیت زندانیان، نبودن کادر اجرایی لازم، مناسب نبودن محیط زندان‌ها و نبود نیروی انسانی متخصص، بیشتر جنبه تشریفاتی و صوری به خود گرفت و اجرای بهینه آن با مشکل مواجه شد. در همین راستا و با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و بخشنامه رئیس قوه قضاییه مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۶ تشکیل پرونده شخصیت در برخی جرایم اجباری اعلام شد. به موجب ماده ۲۰۳ قانون اخیر و ماده ۲ بخشنامه، تشکیل پرونده شخصیت توسط واحد مددکاری اجتماعی در جرایم با مجازات قانونی (نه قضایی) سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد، تعزیر درجه چهار و بالاتر و نیز جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان دیه ثلث کامل مجنی علیه یا بیشتر در خصوص بزرگ‌سالان و نیز جرایم فوق به انضمام جرایم تعزیری پنج و شش و شش وفق ماده ۲۸۶ همان قانون برای اطفال اجباری شد؛ لیکن بررسی این مواد و رجوع به آرای محاکم و رویه عملی محاکم حاکی از آن است که الزام قانونی علاوه برداشتن خلأهایی، بسان آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، صرفاً جنبه تشریفاتی به خود گرفته که موضوعات ذیل را به اذهان متبادر می‌نماید:

- ۱- سکوت قانون‌گذار در خصوص مرجع و مقام صدور تشکیل پرونده شخصیت در جرایمی مثل مواد ۳۰۶ (جرایم منافی عفت)، ۳۴۰ (جرایم تعزیری درجه هفت و هشت) و نیز ۲۸۵ (جرایم اطفال) که به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌گردند.
- ۲- فقدان تعیین ضمانت اجرای استنکاف مقام قضایی در صدور دستور تشکیل پرونده شخصیت.

- ۳- فقدان تعیین ضمانت اجرا در صحت حکم صادره از محاکم در صورت تشکیل نشدن پرونده شخصیت در موارد الزام قانونی.
 - ۴- بهره‌گیری نکردن از نیروهای متخصص و مجرب در حوزه تشکیل و ساماندهی به پرونده شخصیت.
 - ۵- ارائه نشدن راهکارهای اجرایی در قوانین تصویب‌شده.
 - ۶- زیاد بودن جمعیت کیفری.
 - ۷- محیط نامناسب زندان‌ها.
 - ۸- نفوذ در حریم خصوصی اشخاص.
 - ۹- انتقاد از سوی بخشی از جامعه حقوقی در خصوص تطویل دادرسی.
 - ۱۰- ایجاد نشدن بستر فرهنگی در جامعه مدنی.
 - ۱۱- فقدان سیاست جنایی مشارکتی در تعامل با نهادهای غیر قضایی.
 - ۱۲- ضعف در آموزش قضات و کارکنان قوه قضاییه.
- لذا با توجه به موارد فوق، پیشنهاد می‌شود که:
- ۱- در پرونده‌هایی که به‌صورت مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، مقام قضایی با توجه به مفاد ماده ۲۰۳، دستور تشکیل پرونده شخصیت را صادر نماید.
 - ۲- مقامات مستنکف از اجرای این الزام قانونی، با تخلفات اداری مواجه گردند.
 - ۳- احکامی را که در آن تشکیل پرونده شخصیت الزامی است و در مراحل بدوی بدان توجه نشده، در مراحل تجدیدنظر مورد خدشه قرار دهند و بر مبنای آن حکم صادر کنند.
 - ۴- با تخصیص منابع مالی و به‌تبع آن نیروی انسانی متخصص از جمله روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان، نقش شخصیت مرتکب را مورد تحلیل قرار دهند و بر اساس آن، تصمیمات مقتضی را اتخاذ کنند.

فهرست منابع

الف - کتاب

۱. آشوری، محمد؛ *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
۲. اردبیلی، محمدعلی؛ *حقوق جزای عمومی*، جلد نخست، چاپ بیست‌وچهارم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
۳. اردبیلی، محمدعلی؛ *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، چاپ شانزدهم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
۴. اردبیلی، محمدعلی؛ *حقوق جزای عمومی*، جلد سوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
۵. استوتزل، ژان؛ *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه علی‌محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۶. ابراهیمی، ابراهیم؛ *پرونده شخصیت در فرایند کیفری ایران*، تهران: انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۹.
۷. برجلی، احمد؛ *روان‌شناسی جنایی*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پیام نور، ۱۳۹۲.
۸. خالقی، علی؛ *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵.
۹. خالقی، علی؛ *آیین دادرسی کیفری*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۹.
۱۰. دهخدا، علی اکبر؛ *لغت‌نامه دهخدا*، جلد سوم، چاپ اول از دوره جدید، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۱. رجبی، امین؛ *شرح آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور*، انتشارات دانشور، ۱۳۸۲.
۱۲. رحمدل، منصور؛ *تناسب جرم و مجازات*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
۱۳. ساراخانی، باقر؛ *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۵.
۱۴. ساولانی، اسماعیل؛ *حقوق جزای عمومی (منطبق با قانون مجازات ۱۳۹۲)*، چاپ ششم، نشر مشاهیر دادآفرین، ۱۳۹۶.
۱۵. سیاسی، علی‌اکبر؛ *روان‌شناسی جنایی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
۱۶. شامبیاتی، هوشنگ؛ *بزهکاری اطفال و نوجوانان*، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۸.

۱۷. صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۱.
۱۸. صفار، محمدجواد؛ شخصیت حقوقی، تهران: نشر دانا، ۱۳۷۳.
۱۹. صفاری، علی؛ کیفرشناسی، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
۲۰. طریقی، شکرالله؛ مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و روان‌پزشکی کیفری، تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۶۰.
۲۱. قربانی زبردھی، پگاه؛ پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، تهران: انتشارات جاودانه، ۱۳۹۳.
۲۲. قلی‌زاده، آذر؛ مبانی جامعه‌شناسی، کاشان: انتشارات محتشم، ۱۳۷۴.
۲۳. کی‌نیا، مهدی؛ علوم جنایی، جلد سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
۲۴. گسن، ریموند؛ جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۶.
۲۵. محسنی، مرتضی؛ کلیات حقوق جزا، چاپ دوم، جلدهای اول و دوم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵.
۲۶. نوربها، رضا؛ زمینه جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه بهشتی، ۱۳۸۴.
۲۷. ———؛ زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و هشتم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۹.
۲۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی؛ دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳.
۲۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ تعامل جرم‌شناسی و حقوق کیفری، دیباچه در: کیت سوتیل و دیگران، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه: امیر روح‌الله صدیق بطحایی اصل، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۳.
۳۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ زندان: درمانگاه بزهکاری و بزهکاران، دیباچه مترجم برای ویراست سوم، برنار بولک، کیفرشناسی، ویراست پنجم، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۵.

ب - مقاله

۱. آشوری، محمد و محمدجواد فتحی؛ ارزیابی قواعد ناظر به کیفیات مخففه در حقوق ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲، ۱۳۸۸،

- صص ۲۱-۱.
۲. آشوری، محمد؛ جایگاه پرونده شخصیت در فرایند پیشگیری از پایدار شدن بزهکاری جوانان، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۱، ۱۳۹۲، صص ۲۱۳-۱۹۵.
۳. ابهری، علی؛ تشکیل پرونده‌های شخصیتی، مجله کانون وکلا، شماره ۷۶، ۱۳۴۰، صص ۶۷-۷۱.
۴. اسلامی، داود؛ تشکیل پرونده شخصیت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در نظام کیفری ایران، دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، ۱۳۹۶، صص ۱۶-۱.
۵. بهادری، جلال؛ مطالعه تأثیر فقر به عنوان عامل اقتصادی بر بزهکاری زنان، کنگره بین‌المللی عدالت و مطالعات حقوقی قضایی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.
۶. امیرزاده فرد، محبوبه، مهدی خاقانی اصفهانی و اسماعیل عبدالهی، رابطه و تأثیر متقابل پرونده کیفری و پرونده شخصیت، همایش ملی حقوق و علوم جزا، تهران، ۱۳۹۶، صص ۱۸-۱.
۷. جویباری، رجب و حسام‌الدین اصفهانی؛ مرحله پیش از محاکمه در د/درسی ویژه نوجوانان، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۹، ۱۳۸۳، صص ۲۹۸-۲۵۹.
۸. شاملو، باقر و مهدی گوزلی؛ پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید، شماره ۳، ۱۳۹۰، صص ۱۱۸-۸۹.
۹. شاه‌رخی، حمید و هادی مرادی؛ قاضی کیفری و لزوم تشکیل پرونده شخصیت، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۵۲، ۱۳۸۴.
۱۰. شباسی، پریسا؛ جایگاه پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران با تأثیر بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اولین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت علوم اجتماعی، شماره ۱، ۱۳۹۶، صص ۱۹-۱.
۱۱. کاکوجویباری، علی؛ معافیت از کیفر در قانون مجازات ایران و فرانسه، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره سوم، شماره ۱۲، ۱۳۹۶، صص ۱۱۵-۱۰۱.
۱۲. مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ پرونده شخصیت متهمان و ضرورت تشکیل آن در مرحله

- تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری، فصلنامه پژوهش حقوقی، سال ۱۲، شماره ۳۰، ۱۳۸۹، صص ۲۴۸-۲۲۷.
۱۳. مظلومان، رضا؛ آیا مجرم گناهکار است؟، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره سوم، ۱۳۴۹، صص ۱۵۹-۱۳۴.
۱۴. مظلومیان، علی؛ داوری درباره بزهکار بدون شناخت او بی‌عدالتی است، گشودن پرونده شخصیت برای بزهکار ضروری است، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲۶، ۱۳۵۲، صص ۶۱-۵۶.
۱۵. منصورآبادی، عباس و سلمان کونانی؛ بستر مجازات‌های جامعه‌مدار با تأکید بر رویکرد سیاست جنایی ایران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۵، شماره ۱۶، ۱۳۸۹، صص ۳۲-۷.
۱۶. محمدیان، سارا و بابک محمدرضاپور؛ لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری ایران، مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۹، شماره‌های ۲ و ۳، ۱۳۹۲، صص ۳۴۰-۳۲۹.
۱۷. نجفی توانا، علی؛ ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال بزهکار، فصلنامه خانواده‌پژوهشی، سال ۵، شماره ۱۸، ۱۳۸۸، صص ۳۱۹-۲۹۳.
۱۸. نیازپور، حسن؛ کارکرد بازپرورانه کیفرهای جامعه‌مدار با تأکید بر لایحه قضایی مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان، نشریه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۶، ۱۳۸۷، صص ۷۶-۵۷.
۱۹. ولیدی، محمدصالح؛ نقش تعدیل‌کننده تعلیق مراقبتی به‌عنوان کیفر جایگزین زندان، نشریه دادرسی، شماره ۲۲، ۱۳۷۹، صص ۱۳-۸.
۲۰. یزدیان جعفری؛ اصل فردی کردن مجازات‌ها؛ تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه‌تر، نشریه فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۳۸۵، صص ۶۴-۴۱.

ج - سایر

۱. مهران، ناصر؛ تقریرات درسی حقوقی جزای عمومی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، بی‌جا، ص ۱۰، ۱۳۸۹.